

شهرهای اسلامی اسپانیا

مصطفی عبدالرزاق

ترجمه و تلخیص: علی علیمحمدی



- المدن الاسلامیة الاسبانیة
- مؤلف: لیوبولدو تورس بالباس
- ترجمه: الیود ورو دی لابنیا
- ناشر: مرکز الملک فیصل للبحوث والدراسات الاسلامیة - الرياض - ۲۰۰۳، ۶۹۸ صفحه

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا
مهر
۱۳۸۷

۱۱۰

این کتاب درباره تاریخ دوران اسلامی کشور اسپانیا است. نویسنده با شیوه‌ای علمی به پژوهش و بررسی تفصیلی وضعیت شهرهای اسلامی اسپانیا می‌پردازد. به اعتقاد مؤلف تمدن اسلامی در این کشور پایه‌گذار مدنیت بود و حیات اسلامی در تمام گونه‌هایش، ساختار و صورت متمایزی به دوره اسلامی اسپانیا بخشیده بود، هرچند از نظر هنری و معماری و زیبایی‌شناسی نظم و هماهنگی مشخصی در آن مشاهده نمی‌شد. این تمدن در جهان اسلام - همچون توسعه مدنیت رومی در تمام قلمرو آن امپراتوری - توسعه یافت.

تورس بالباس با تأکید بر تأثیرات اسلام و تمدن اسلامی بر گسترش مدنیت (تمدن شهری) اسپانیا، بیان می‌کند هرکس که از اسپانیا دیدار کند خصوصیات شرقی شهرها و به‌ویژه منازل روستایی دو منطقه جنوب و شرق شبه‌جزیره ایبری نظرش را جلب می‌کند. به اعتقاد وی بسیاری از خیابان‌های کنونی شهرهای اسپانیا - که دارای پیشینه اسلامی هستند - آثار و خصوصیات قدیمی - اسلامی - خود را حفظ کرده‌اند. این مسئله درباره راه‌های پیرامونی و مکان‌های تفریحی و سیاحتی شهرهای قدیمی که دیوارها و حصارهای قدیمی اطراف آنها را محصور کرده، نیز صادق است.

تورس بالباس درباره چگونگی فتح شهرهای اسپانیا می‌نویسد: بعد از فتح شبه‌جزیره ایبری به دست مسلمانان، برخی شهرها، با معاهده تسلیم مسلمانان شدند. اما بیشتر شهرها، پس از محاصره که درگیری و کشتار ناچیزی به همراه داشت، فتح شدند. وی معتقد است تغییرات مهمی در وضعیت و ساختار شهرهای اسپانیا در حوادث آن زمان روی نداد. اما پس از آن، دگرگونی‌های تدریجی تحت‌تأثیر برخی سبک‌ها و شیوه‌های تمدن اسلامی به‌وجود آمد. به گونه‌ای که مثلاً شهر قرطبه^۲ در قرن دهم میلادی از بناهایی مشابه شهرهای دمشق، بغداد و فسطاط برخوردار شد.

نویسنده در بخش «معماری شهرهای اسلامی» می‌نویسد: علیرغم اینکه در آغاز، تأثیرات معماری رومی در شهری مثل قرطبه به‌ویژه در قرن‌های هفتم و هشتم میلادی کم بود، اما بعد از آن وضعیت تغییر کرد. به طوری که بنای مسجدجامع قرطبه در زمان توسعه‌اش در دو قرن بعد، از برخی سبک‌های معماری و تزئینی خاص روم و نیز سبک‌های شرقی تأثیر پذیرفت. از این به بعد مهندسی و معماری اسلامی اسپانیا شکوفا شد و ویژگی‌های معماری آن درحقیقت به یکی از سبک‌های معماری اسلامی تبدیل گردید.

مؤلف درباره بازمانده‌ها و نشانه‌های معماری اسلامی شهرهای اسلامی اسپانیا که مخروبه و نابود شده‌اند، می‌نویسد، آثار این شهرها همچنان در دشت‌ها و کوه‌ها مدفون است. وی به نقل از ابن خلدون، معتقد است که اعراب در انتخاب مکان‌ها برای بنای شهرهای خود، با بررسی و آگاهی عمل

نمی‌کردند. آنها شرایط زمین، وضعیت آب و هوا، اراضی کشاورزی و مراتع را مدنظر قرار نمی‌دادند. به اعتقاد ابن خلدون بناهای ساخته شده به دست اعراب - به علت طبیعت زندگی‌شان که دائم در حرکت و جابجایی بودند - بناهای مستحکم و بادوامی نبودند. از جمله شهرهای مهاجری که به نظر نویسنده این ویژگی را داشته‌اند عبارت‌اند از: قلعه «عبدالسلام»، «قلعه خلیفه»، «کاتالس»، «اولموس»، «مدینه الفهمین» و «باسکوس».

مؤلف درباره چگونگی و تاریخ تأسیس شهرهای اسلامی اسپانیا می‌نویسد: زمانی شهرسازی آغاز شد که حصارها و دژهایی برای دفاع دور شهر کشیده می‌شد و سپس مسجدجامع و در مراحل بعد نیز بازار، اقامتگاه‌ها، محله‌های داخلی و خارجی برای شهرها ساخته می‌شد. مثلاً **عبدالرحمان سوم** در سال ۳۴۴ هـ. ق / ۹۵۵ م. به تغییر و ایجاد مجموعه‌های مسکونی معروف به «بجانه» در شهر «المریه» پرداخت.

نویسنده سپس از اهداف نظامی ساخت برخی شهرها سخن می‌گوید و می‌نویسد: برخی شهرها با اهداف نظامی ساخته شدند. موقعیت جغرافیایی و حصارهایی که برای این شهرها ایجاد شد به گونه‌ای بود که دفاع از آنها را امکان‌پذیر و راحت‌تر می‌ساخت. این شهرها بیشتر در دامنه کوه‌ها و تپه‌ها واقع می‌شدند و در مرکز و مرتفع‌ترین جای آنها قلعه‌ای بود که بر شهر و پیرامون تسلط داشت. از جمله این شهرها «اقلیش»، «لارده»، «المریه» و «جبل الطارق» بودند. اگرچه برخی شهرها بر روی تپه‌ها و پشته‌های محصور در رودها و برکه‌ها ساخته می‌شد - مانند شهرهای «ابده»، «مجریط»^۳ و «مدینه سالم» - شهرهایی نیز بنا می‌گردید که مجهز به دژ و حصار بود. این گونه شهرها درواقع اردوگاه‌های نظامی محسوب می‌شدند و از حیث ثبات و امنیت از شهرهای دیگر متمایز بودند. نقشه و ساختار آنها به گونه‌ای بود که برای دفاع در برابر دشمن و یا حمله به شهرهای دیگر، قابل استفاده بودند. اما کاربرد این اردوگاه‌ها برای اهداف موقت و محدود بود و معمولاً بعد از دستیابی به اهداف موردنظر، تخلیه و تخریب می‌شد.

به طور کلی از دوره حکومت **عبدالرحمان دوم** تا مرگ عبدالرحمان سوم، یعنی از ۲۰۶ هـ. ق / ۸۲۲ م تا ۳۵۰ هـ / ۹۶۱ م، بیشتر شهرهای با اهداف نظامی ساخته شدند.

نویسنده در مورد شهرهای پادشاهی و مقرر حاکمان نیز اعتقاد دارد که برخی شهرهای اندلس، شهرهای پادشاهی بودند که به دستور حاکمان ساخته می‌شدند تا محل اقامتگاه حاکمان و دربارهای‌شان باشند. به همین منظور عبدالرحمان سوم شهر «الزهراء» را در سلسله جبال قرطبه در سال ۳۲۹ هـ. ق / ۹۳۶ م. بنا نهاد. همچنین شهر «حصن الفرج» را پادشاه موحدی، ابویوسف

به نظر نویسندگان، بسیاری از خیابان‌های کنونی شهرهای اسپانیا - که دارای پیشینه اسلامی هستند - آثار و خصوصیات قدیمی - اسلامی - خود را حفظ کرده‌اند

به اعتقاد ابن خلدون بناهای ساخته شده به دست اعراب - به علت طبیعت زندگی شاه که دائم در حرکت و جابجایی بودند - بناهای مستحکم و بادوامی نبودند

یعقوب در اطراف «اشبیلیه»^۵ ایجاد کرد و شهر «البینة» به دستور المرینی ابویوسف در نزدیکی جزیره برای اهداف نظامی بنا شد اما در وسط آن مقر پادشاهی نیز ساخته شد.

مؤلف اعتقاد دارد ساخت شهرهایی با دژ و حصار که قصرهای پادشاهی و بناهای تشریفاتی و حکومتی مستقل از پایتخت‌های قدیمی در داخل آن احداث می‌شد، پدیده‌ای همیشگی و مرسوم در شرق و غرب جهان اسلام به شمار می‌آمد. چرا که پادشاهان، این شهرهای مجلل و باشکوه را در مکان‌های دور و به عنوان قصر ویژه خود می‌ساختند و برای آسایش، تفریح و استراحت به آنجا می‌رفتند.

زوال شهرهای اسپانیا را که عمر کوتاهی داشتند، بررسی می‌کند. به اعتقاد وی دوره حکومت مرابطین، عصر شکوفایی تمدن اسلامی در اندلس و نظام پولی آنان از وضعیت مطلوبی برخوردار بود. سکه‌های ضرب شده در این دوره، زیبایی فوق‌العاده‌ای داشتند هرچند در قرطبه نیز دینارهایی از طلا و سکه‌های قیمتی از نقره ضرب می‌شد.

نویسنده بیست و دو شهر جدید را که در دوره اسلامی اسپانیا ساخته شدند، نام می‌برد و از جمله به شهر «مجریط» اشاره می‌کند و تأسیس آن را به امیر محمداول منسوب می‌داند که پس از اشغال «طلیطله»^۶ به دست الفونس ششم، این شهر به دست مسیحیان افتاد. مادرید در دوره اسلامی در بخش غربی تپه بسیار مرتفعی بنا شد که بر کناره راست رود مثنانارس قرار داشت و از شمال و جنوب، دره‌هایی شهر را در خود گرفته بودند و به مثابه خندق‌های طبیعی بودند. هدف تأسیس این شهر مقاصد نظامی بود. هرچند شهر مادرید از پیشینه تاریخی اسلامی برخوردار است اما هم‌اکنون این شهر از آثار و بناهای تاریخی دوره اسلامی تقریباً خالی است.

تورس بالباس همچنین از نظر اقتصادی دوران مرابطین را بسیار پررونق می‌خواند و می‌نویسد: در عصر مرابطین، مردم روزگاری پر بار و سرشار از نعمت داشتند، در رفاه و آسایش و صلح به سر می‌بردند و بطور کلی اسپانیای اسلامی در این عصر، عصری پررونق و شکوفا بود.

وی دربارهٔ تشکیلات سیاسی و ساختار حکومتی دوره اسلامی اسپانیا می‌نویسد: شهرهای اسلامی چه در شرق و چه در غرب مدیریت و برنامه‌ریزی و شکل و ساختار اداری نداشت، بلکه ساختار آنها بر اساس اردوگاه‌های نظامی و مقر حکومت استوار بود، که به شهروندان اجازه می‌داد، فریضه‌های دینی‌شان را ادا کنند و به امور اجتماعی خود بپردازند.

به اعتقاد مؤلف عصر «موحدین» نیز تقریباً چنین وضعیتی داشت. وی در این باره بیان می‌کند که «اشبیلیه» از جمله شهرهایی بود که دوران پرباری داشت و در این دوران جمعیت فراوانی در اندلس ساکن بودند.

نویسنده به منظور شناخت ویژگی‌های اقتصادی و معیشتی شهرهای اسلامی اندلس، به بررسی کشاورزی، تجارت و صنعت شهرهای اندلس در نیمه اول قرن دهم میلادی می‌پردازد و می‌نویسد: محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی این منطقه به اقصی نقاط جهان اسلام در شرق صادر می‌شد. در شبه جزیره ایبری نیز شهرهایی با زمین‌های حاصلخیز وجود داشت که ساکنان آنها از طریق کشاورزی و نیز تجارت روزگار می‌گذراندند. همچنین شهرهای کوچک سرسبز و پررونقی وجود داشت که تعدادشان به سی و سه شهر می‌رسید. برخی از آنها قدیمی بود مثل «طلیطله» که آثار گذشته خود را هنوز حفظ کرده و برخی از این شهرها مثل «اشبیلیه»، «بندر طرطوشه» و «بندر المریه» پذیرای کشتی‌ها و تاجران از سرتاسر جهان بودند.

نویسنده دربارهٔ پایان دوره اسلامی در اسپانیا می‌نویسد: در اواخر سیادت مسلمانان بر شبه جزیره ایبری، به جز غرناطه^۷، مناطق دیگر به دست پادشاهان کاتولیک افتاد. بنابراین مسلمانان به غرناطه گریختند و بعد از این دوران آفتاب اسلام در اندلس به تدریج غروب کرد، اما آثار و نشانه‌های مسلمانان در این سرزمین همچنان پابرجاست و ماهیت تمدن اسلامی هنوز قابل مشاهده است.

پانویس‌ها:

این مقاله ترجمه و خلاصه‌ای است از مقاله‌ای که در نشانی اینترنتی زیر قرار دارد:

www.albayan.co.ae/a/bayan/book

۱- لئوپولدو تورس بالباس (LEOPOLDOTORRES BALBAS) (۱۸۸۸-۱۹۶۰)

خاورشناس اسپانیایی است که در زمینه آثار اسلامی اسپانیا مطالعات و تحقیقات گسترده‌ای داشته و از این رهگذر مقالات و آثار بسیاری از او منتشر شده است که از آن جمله می‌توان به: «معماری اسلامی در غرب - مقاله»، «مراد هندی بین مصر و غرب اسلامی»، «کاوش‌های باستان‌شناسی در اسپانیای اسلامی: مرکز بطلیوس»، «شرق و غرب در هنر قرون وسطی» اشاره کرد.

۲- کوردوبا.

۳- المریا.

۴- مادرید.

۵- سویل.

۶- تولدو.

۷- گرانادا.

نویسنده در بخش دیگری از کتاب به بحث دربارهٔ علل و زمینه‌های